

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم لایحه الغاء قانون مصوب تیرماه ۳۰۶ از طرف آقای نخست وزیر
- ۳ - مذاکره راجع به دستور مجلس
- ۴ - شور دوم لایحه مربوط به حفاظت پشته‌وازه اسکناس
- ۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت پيش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۵ بهمن ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - بطوری که در صورت مجلس نوشته شده قرار بود جلسه روز يك شنبه باشد ولی روز یکشنبه بطوریکه آقایان مسبوق هستند چون مقتضی شد جلسه خصوصی تشکیل شود جلسه تشکیل شد و جلسه علنی با امروز موکول شد . (صحیح است) در صورت مجلس نظری نیست

(گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد

۲ - تقدیم لایحه الغاء قانون مصوب تیر ماه ۳۰۶ از طرف آقای نخست وزیر

رئیس - آقای نخست وزیر

نراقی - آنچه در دستور است باید مطرح شود

نخست وزیر - بعد از اظهار تشکر از اظهار اعتماد و حسن ظنی که در جلسه سه روز قبل نسبت باین جانب ابراز فرموده اند لازم میدانم حقایقی را خدمت آقایان محترم یاد آوری کنم . آنچه در مقدمه عرض میشود از عنایت وضوح مستغنی از هر نوع تذکار است و آن مفهومی است مورد قبول عموم که همه ماها بآن اذعان و ایمان داریم لکن از فرط وضوح و بداهلیت مورد توجه و اعتنا قرار نمیدهیم و آن کلمه اتحاد و اتفاق است که در هر مملکت

عین مذاکرات مشروح یکصد و سی و دومین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آفریماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

- غالبین بی اجازه - آقایان : مرآت اسفندیاری - تولیت - مهدوی - مؤید احمدی - ارکانی - مشیردوانی - اکبر - امیر ابراهیمی - هدایت الله پالیزی - فاطمی - نیک پور - دبستانی - دهستانی - آصف - صادق وزیری - کامل ماکو - نصرپیان .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : خسرو شاهی - بوداغبان - مسعودی خراسانی - افخمی - نوپخت - جلیلی - مشار - لبقوانی - ناصری - نفاث .

آنچه مردم را بسعادت و نیک بختی میرساند همین جهت جامعه است که اگر حقیقه این ایمان و عقیده در قلوب و اذهان راسخ گردد و به نتایج و اثرات آن پی برده شود بدرک انواع سعادات و حل و تسویه تمام مشکلات میتوان امیدوار بود. با رجوع باوضاع گذشته و احوال امروزه عالم این حقیقت بدرجه واضح و روشن است که هیچکس را مجال انکار نیست و بدیهی است درمواقع صعب و مشکل این مقصود در درجه اول لوازم زندگانی و پیشرفت امور سیاسی و اقتصادی هر مملکت است. متأسفانه باید تصدیق کرد که باینکه این حقیقت مورد قبول عامه است بلوازم و موجبات آن کمتر قیام و اقدام شده و در نتیجه از اثرات مطلوبه آن کمتر استفاده نموده ایم. در صورتی که میدانیم حتی در مملکت خودمان هم هر وقت مشکلی روی داده و هر خطیری پیش آمده کلیه عناصر متضاد و افکار مختلف برای جلوگیری از مشکلات دست بدست داده بلزوم وحدت و اتفاق پی برده اختلافات را ولو بطور موقت مرتفع داشته و بر مخاطرات غلبه نموده اند اغلب از آقایان نمایندگان حاضر این معنی را بخاطر دارند و از تشریح و توضیح آن بی نیازند و از آن جا که حکومت ما حکومت مشروطه و ملی است و مرکزیت سیاست در مجلس شورای ملی استقرار دارد بدیهی است وحدت و اتفاق مطلوب هر قدر در مجلس شورای ملی ظاهرتر شود و افکار مشتت در روی یک مطالب و مقصود تمرکز پیدا کند سر مشقی است که تمام افراد مملکت داده شده و سعادت سی است که از این کار خانه رشد و بلوغ تمام مملکت تراوش نموده است (صحیح است). این مطالب مسلم است که هر ایرانی نسبت بمملکت خود علاقه مند و وفادار است (صحیح است) و اگر با راهنمایی و پیشوائی افراد وطن دوست و صالح براه سعادت و سیادت سوق داده شوند همچنانکه در ادوار گذشته مظهر قدرت و جلال و عظمت بوده اند در آئینه نیز دارای همان اقتدار و احساسات پاک و افتخارات تاریخی خود خواهند بود. قبل از ایجاد

وجود داشته باشد و از آنجا که مرکز سیاست و قدرت مجلس شورای ملی است و تربیت افراد و پیدایش سیاستمداران لایق از طریق مجلس شورای ملی باید صورت گیرد هیچ دلیل و منطقی اجازه نمیدهد که اشخاصیکه در مجلس شورای ملی باوضاع مملکت و اسرار سیاست واقف میشوند از تصدی مقامات دولتی محروم گردند خاصه اینکه از چندین سال قبل هم باینطرف چون شغل وزارت در اشخاص معدود منحصر و محدود بوده است افراد صالح و مبرز برای تصدی این مقام کمتر در دسترس کشور گذارده شده است و بر وجه یقین میتوان تصدیق نمود که اگر از این دستگاه ملی که در حقیقت آموزشگاه رجال مطلع و بصیر است راه وصول بمقامات دولتی مسدود نمیگردید امروز دچار این فقر مسلمی که از حیث رجال تمتحن داریم نمیشدیم و بنابراین اصل و عقیده است که اینجانب از راه کمال وطن پرستی و عشق و ایمانی که باستحکام اساس مشروطیت دارم ماده واحده راجع باصلاح قانون تیرماه ۱۳۰۶ را بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینمایم و از جهت اینکه در خارج شنیده ام که پاره افکار مخالف به تبلیغات بی اساسی پرداخته اند که غرض من از این پیشنهاد این است که اشخاص مجرب و مبرز مجلس شورای ملی را دعوت به عضویت دولت نمایم تا پس از چندین موجبات کناره جوئی آنها فراهم گردد این است که برای رفع این نوهم و برای جلوگیری از این تبلیغات مضره مناسب میدانم اصل سی و دوم قانون اساسی را امروز یا هر روز دیگر که مجلس مقتضی بداند تفسیر فرمایند زیرا بعقیده اینجانب مقصود از اصل سی و دوم منحصرأ افرادی از و گلا بوده اند که در ادارات دولتی به خدمات دین رتبه وزارت استخدام شوند و اگر این مقصود مستلزم شمول بوزارت نیز میباشد البته تصریح و توضیح شده بود در هر حال این نکته از وظیفه اینجانب خارج و موقوف به تشخیص و نظریات مجلس است و مقصود اینجانب فقط تذکر و یاد آوری است که این موضوع را مجلس شورای ملی در نظر گرفته زودتر تصمیمی که لازم بداند اتخاذ فرمایند و بيمورد میدانم

نکته را که بعضی از آقایان نمایندگان در جلسه خصوصی اظهار فرمودند پاسخ دهم و آن اینست که اظهار نمودند نظر باینکه دولت دچار مشکلات گردیده و در حل مشکلات موفقیت حاصل نموده است مانند مسئله خواربار و مشکلات دیگر که بنظر بعضی از آقایان نمایندگان دولت نتوانسته است اجرای وظیفه نماید میخواهد آقایان نمایندگان را در عدم موفقیت خود شریک و سهیم نماید باید عرض کنم این عقیده اشتباه محض است بلکه عکس این نظریه در این موقع مصداق دارد زیرا اغلب مشکلات باندازه که مقدور بوده است حل و تصفیه شده و امروز که آقایان نمایندگان را بشرکت در دولت دعوت میکنم در حقیقت ایشانرا در نمره و نتیجه مطلوبه زحمات چند ماهه خود شریک و سهیم میگردانم زیرا امر خواربار که بسی صعب و مشکل بوده دوره سختی آن بحمدالله سپری شده و اینک موقع فراوانی و گشایش ظاهر گردیده است برای اینکه گندمیکه در چند ماه قبل از متفقین خواسته ایم تا چند روز دیگر وارد و نان تهران و اغلب ولایات دیگر کاملاً تأمین خواهد شد. همچنین در امور مالی نیز بوسیله اشخاص مجربی که از ممالک متحده آمریکا استخدام نموده ایم مخصوصاً دکتر میلیسو که علاوه بر تجربیات گذشته که در امور مالی ایران داشته است از افکار جدید دنیا نیز اطلاعات وافیه بهرسانیده امید کامل میرود که مشکلات هرچه زودتر مرتفع و آمال آقایان نمایندگان کاملاً تسریع و تسهیل گردد. و بر فرض اگر آقایان نمایندگان را برای معاونت و معاضدت در رفع مشکلات نیز دعوت میکردم نمیبایست از همکاری و تعاون خود داری کنند و از ازدحام معضلات اندیشه نمایند زیرا ارزش افراد و جوهر اشخاص در موارد صعب و خطیر بروز و ظهور مینماید نه در ایام سهل و اوقات متعارف. (صحیح است) بقول شاعر فاضل. اندر بالای سخت پدید آید فضل و بزرگمهری و سالاری نکته دیگر که آقایان نمایندگان بعضی از اوقات تلویحاً یا تصریحاً اشاره نموده و اینجانب را مورد اعتراض دانسته اند مسئله گرانی ارزاق

و بالا رفتن هزینه زندگی است باید عرض کنم که در این موضوع لازم است بنظر انصاف قضاوت کنیم زیرا کراراً در این خصوص چه با حضور بعضی از آقایان نمایندگان چه بوسیله آقایان تجار و اشخاص مطلع و بصیر کمیسیونهای تشکیل شده و مذاکرات طولانی بعمل آمده لکن راه نجات و خلاصی بدست نیامده است چون از این طریق بمقصود نرسیدیم سه ماه قبل با فکر و تعمق بسیار از مجلس شورای ملی اختیارات محدود و معینی خواسته شد که در پرتو آن اختیارات اقدامات و چاره جوئیهای بشود متأسفانه نیتی که در کمال صدق و خلوص پیشنهاد شده بود متوقف ماند و بواسطه حدوث مشکلات و بحر آنها مجال تجدید و تعقیب پیدا نشد. اکنون که متخصصین مالی و اقتصادی ما وارد شده و میشوند و از روز اول ورود آنها را مأمور این کار کرده ام امیدوار هستم تا حدی که مقدور میسر باشد این مشکل نیز رفع و خاطرها آسوده شود. لکن باید عرض کنم طریقه را که در آن موقع آقایان دوستان مجلس من اظهار میگردیدند که اقدامات دولت بوسیله قانون منع احتکار میسر تواند شد یا بموجب پیشنهاد لوائح مخصوصی مقصود حاصل خواهد گردید من بعد معلوم خواهد شد که راه وصول بمطلوب اینطور نیست و بدون یک نوع اختیارات انجام این امر میسر نخواهد گردید افسوس دارم از اینکه در این مرحله سه ماه عقب ماندیم و بتصدیق کارشناسان اگر همان وقت اقدام شده بود امروز پایه قیمتها باینجا نمی رسید البته از این تذکر مقصودم خود نمائی یا عیب جوئی نیست و بدیهی است همیشه نظریات مختلف در جریان بوده است و در نتیجه تجربه و امتحان بالاخره کارها بمرحله مقصود خواهد رسید اصلاً آنچه را که از آقایان محترم تقاضا دارم تصویب لایحه است که تقدیم مجلس شورای ملی مینمایم و امیدوارم با انجام و اتفاق و همراهی و همکاری در رفع بحران و تشکیل دولت شرکت نموده در راه اصلاحات تحت نظر و راهنمایی مجلس شورای ملی بخدماتی که وظیفه دار هستیم نایل شویم و از خداوند متعال برای سعادت و آسایش ایران و ایرانیان استمداد نمائیم (نمایندگان - صحیح است).

نقابت - به کمیسیون رجوع میشود.

تهرانچی - تقاضای فوریت شده باید فوریت آن مطرح شود.

نخست وزیر - آقا باید صبر کنید بین حرف من حق ندارید صحبت کنید. تقاضای فوریت در لایحه نشده.

تهرانچی - بنده در همین موضوع اجازه خواسته ام. **جمعی از نمایندگان -** مطرح نیست. تقاضای فوریت نشده.

رئیس - لایحه به کمیسیون رجوع میشود.

۳ - مذاکره راجع بدستور مجلس

رئیس - دو فقره لایحه در دستور است یکی راجع به پستوانه اسکناس و یکی هم راجع بطرحی که داده شده **عده از نمایندگان -** طرح مقدم بر پستوانه اسکناس است.

نخست وزیر - بنده تقاضا میکنم این طرح از دستور امروز مجلس خارج شود چون لازم است با دکتر میلسپو در این باب صحبت شود.

تهرانچی - اجازه میفرمائید بنده با خروج از دستور مخالفم. **رئیس -** بفرمائید.

تهرانچی - عرض کنم این طرح چون به فوریتش رأی گرفته شده نمیشود از دستور مجلس خارج شود تا وقتی که مجلس تکلیفش را معلوم کند و قبل از این که آن طرح تکلیفش معلوم شود نباید هیچ لایحه مطرح شود.

رئیس - آقای تراقی. **تراقی -** بنده هم عرضم این بود که این طرح در دستور مجلس است و باندازه کافی مذاکرات درش شده است و آقای نخست وزیر هم در جلسه خصوصی موافقت فرمودند و این قضیه که باید جلب عنایت دکتر میلسپو بشود و جلب نظرش بشود منطقی نیست و این خطرناک است برای مملکت و این قضیه فراموش شده است درش و افکار عمومی او را می طلبد و کسانی که با آن مخالفت کنند بمقیده بنده خیانت بکشور میکنند.

جمعی از نمایندگان - (با همه) اینطور نیست.

اینطور نیست. **نخست وزیر -** برعکس آنچه که آقای تراقی میفرمایند به عقیده شخصی من که مسؤل امور مملکت و مقدرات امور هستم هر کس در این کار تعجیل بکند راه خطائی پیموده است برای اینکه ما یک شخص متخصصی را برای امور مالی خود خواسته ایم و در این امور باید با او مشورت کنیم البته تخصص و لیاقتش در این کار بیشتر از اشخاصی است که دور طرز این کار هستند و بنده جداً تقاضا میکنم این طرح از دستور خارج شود (عده از نمایندگان - مجلس بدو فوریتش رأی داده است) بنده با رأی مجلس مخالفتی نکردم با تعجیل در آن مخالف هستم و جداً هم پیشنهاد میکنم از دستور امروز خارج شود. **رئیس -** آقای اعتبار.

اعتبار - عرض کنم که بنده خیلی حقیقه از آقای تراقی که یک نفر کلنگ ما هستند گله مند هستم ایشان که از دوره های پیش و این دوره با هم همکاری میکنیم اگر بنا باشد در یک موضوعی یا اکثریت یا اقلیت چه یک نفر چه صد نفر هر کس میخواهد باشد ولو یک نفر عرض کردم یک عقیده را داشته باشد و سایرین با آن عقیده مخالف باشند نظر آن یک نفر محترم است و هیچکس حق ندارد نظر او را رد کند مخصوصاً اینکه خائن بگویند (صحیح است) و بعقیده بنده کسی که این حرف را میزند خودش اول خائن است. آقا عقیده در همه جا و در هر موضوع و هر نظری باید محترم باشد ترور کردن عقاید افراد بد است این خیانت است که عقیده بنده را رد بکنید. از این مطلب که بگذریم و چون با ایشان میخواهیم یک چند صباحی کار کنیم و با هم باشیم امیدوارم از این اظهاری که کردند عدول کنند.

اقبال - این که نمیشود هر چیزی را که میخواهند بگویند.

طباطبائی - این وظیفه رئیس مجلس است که باید

جلو گیری کند.

اعتبار - عرض کردم ایشان باید از این اظهاری که کردند عدول کنند و معذرت بخواهند از رفقای خودشان اگر غیر از این بکنند بنده بر خودم لازم میدانم در هر موردی که ایشان بخواهند اظهار نظر کنند عین همین حرف را بخود ایشان جواب بدهم. در این موضوع بخصوص همین آقای تراقی از بنده خواهش کردند که با این نظر موافقت کنم با اینکه خود این کار خود نفس عمل بر خلاف عقیده بنده بود ولی گفتم هر نظری که مجلس شورای ملی را اکثریت محترم نمایندگان این را صلاح بدانند عین صلاح است این عقیده بنده است که بنظر اکثریت باید احترام گذاشت و بنده هم کسی هستم که این احترام را معتقد هستم و وقتی دیدم ۶۴ نفر این طرح را امضاء کرده اند بخود آقای تراقی عرض کردم که بنده با این طرح موافق نیستم و آنرا مضر میدانم ولی چون اکثریت امضاء کرده است در این باب ساکت هستم و اظهار نظری نمیکنم و خود ایشان از من اظهار امتنان کردند این جریان اولیه قضیه بود اما حقیقه بنده میخواستم از آقایان استدعا کنم که همین عمل خوب و همین نظری را که اکثریت عمومی مجلس شورای ملی پیدا کرده است یک قدری بیشتر مطالعه کنند کار بانک مهم است آقا بانک شوخی نیست بنده مخالف نیستم که رئیس بانک را مجلس انتخاب بکند ولی شوخی نباید کرد (تهرانچی - خیر آقا شوخی نیست) الان هفت نفر را دولت پیشنهاد میکند به مجلس این هفت نفر چه کار میکنند؟ جز این که این هفت نفر مثبت میکنند به بنده و جنابعالی آیا سزاوار است که بانک ملی را آورد در این سیاست خیر آقا این اشتباه است اگر آقایان میدانند که این عمل صحیح است بنده عرضی ندارم. اگر میفرمائید این رئیس بانک طرف اعتماد نیست و دولت باید عوض کند اکثریت مجلس بسه دولت بگوید دولت او را عوض میکند (عده از نمایندگان - صحبت شخصی نیست) و هر کس طرف اعتماد مجلس شورای ملی است چون مقدرات مملکت هم در دست مجلس شورای ملی است آن شخص را بگذارند بجای

مطالعه که وعده کرده بودند موفق نشده است که نتیجه را بعرض مجلس شورای ملی برساند بایستی این جا مورد تعجب آقایان واقع شود برای این بوده است که وزیر مالیه در کار نبوده و بنده عقیده ام این است آقایان موافقت نفرمایند که بانك ملی که آبرو و حیثیت مملکت است آنقدر با آن بازی نکنند و بگذارید این کار با مطالعه انجام شود.

رئیس - آقای نخست وزیر .

نخست وزیر - بنده باید عرض کنم راجع به رایی که اکثریت مجلس داده است بنده عرضی ندارم البته در هر مورد رایی که اکثریت مجلس شورای ملی بدهد محترم است ولی عقیده ام این است که در این کار بایستی یک قدری بیشتر مطالعه کرد برای این که این رأی را وقتی مجلس داده بود و باطلاع دکتر میل سپو رسیده شرحی به بنده نوشته اند که بنده آن را برای آقایان میخوانم، همین امروز هم این مراسله رسیده است :

جناب آقای نخست وزیر :

طبق اطلاعی که باینجناب رسیده است لایحه برای انتخاب مدیر کل و قائم مقام مدیر کل بانك ملی ایران در مجلس شورای ملی مطرح است که بموجب آن روش انتخاب مدیر کل و قائم مقام مدیر کل بانك ملی ایران تغییر داده شود . بطوریکه اینجناب استحضار حاصل نموده پیشنهاد شده است که مجلس شورای ملی بین هفت نفر که اسامی آنها بوسیله دولت به مجلس تقدیم خواهد گردید مدیر کل و قائم مقام مدیر کل بانك ملی را انتخاب خواهند فرمود . البته جنابعالی بعلاقه اینجناب نسبت بانك توجه فرموده اید . اولین طرح پیشنهاد تأسیس بانك از طرف اینجناب در دوره اول اقامتم در ایران تقدیم گردید .

سرمایه بانك ملی ایران توسط دولت پرداخت شده و قسمتی از عملیات بانك تا حدی که مربوط بمخارج و تعهدات دولتی میباشد مشمول اختیاراتی است که باینجناب داده شده بطور کلی اینجناب بانك را از بعضی جهات يك رکن مهم اداره مالی تلقی مینمایم .

بعلاوه در اینموقع بحران تصور نمینمایم شایسته باشد تغییری در وضعیت عمومی بانك داده شود مگر اینکه این

تغییر حتماً مورد لزوم باشد زیرا هر قسمت خود باعث از بین بردن اعتماد ببانك و اسکناسهایی باشد که از طرف بانك منتشر میگردد .

سابقاً در امریکا برای انتخاب رؤسای بانك بوسیله قوای مقننه و مجریه مقرراتی وجود داشت ولی طرز اول نتیجه خوبی نداد و حالا بکلی متروک شده .

اداره کردن بانك شغل معاملاتی و اداری است و مخصوصاً جنبه فنی آن زیاد میباشد باین جهت رئیس یا مدیر آن بهتر است بوسیله قوای مجریه کشور انتخاب شود تا قوای مقننه .

بعقیده اینجناب غیر ممکن است در ایران هفت نفر را پیدا کرد که بطور تساوی شایسته اداره کردن امور بانك باشند و ممکن است در يك موقع مخصوص بتوان هفت نفر را پیدا نمود که بقدر لزوم شایستگی داشته و در عین حال دسترسی هم بآنها باشد . زیرا منظور دولت باید این باشد که بهترین شخص را پیدا کرده و انتخاب نماید و قضاوت در صلاحیت او بوسیله دولت بهتر انجام میگردد .

البته مسؤلیت وضع قوانین کلی راجع ببانك بعهد مجلس شورای ملی است و لسی اجرای این قوانین میبایستی بعهد دولت واگذار شود بنا بر آنچه معروض شد تمنا دارم مقرر فرمایند نظریات اینجناب را قبل از اینکه از طرف آقایان نمایندگان تصمیمی اتخاذ گردد باستحضار ایشان برسانند (صحیح است)

نراقی - بنده پیشنهاد میکنم لایحه پشتوانه اسکناس مطرح شود .

تهرانچی - این لایحه مقدم است باید مطرح شود و تکلیفش معلوم شود . باید رأی گرفت

رئیس - عرض کنم روزی که این لایحه مطرح شد بعد که باطاق دیگر رقتیم آقای وزیر دارائی هم بودند آقایان هم تشریف داشتند آقای انوار آقای نراقی بودند مذاکرانی کردند و آقای وزیر دارائی خواهش کردند که این لایحه بماند برای بعد و آقایان هم موافقت کردند و بعد

چون دولت در بحران بود نتوانستند حاضر شوند که تکلیف اینموضوع معلوم شود حالا هم اگر آقایان تصویب میفرمایند همانطور که آقای رئیس الوزراء خواهش کردند بگذاریم برای بعد که با وزیر دارائی هم مذاکره شود که این کار با يك قاعده صحیحی انجام شود چون منظور آقایان اصلاح کار است و غرض دیگری که ندارند (صحیح است) پس حالا که آقایان موافقت میفرمایند بگذاریم برای بعد که باین مسئله بطور دقت رسیدگی شده و مجلس رأی خودش را بدهد (صحیح است)

۴- شور دوم لایحه مربوط بحفاظت پشتوانه اسکناس

رئیس - لایحه پشتوانه اسکناس شور دوم مطرح است گزارش کمیسیون خوانده میشود :

گزارش از کمیسیون قوانین دارائی بمجلس شورای ملی کمیسیون قوانین دارائی لایحه شماره ۳۹۴۵۶/۲۸۴۶۸ دولت راجع بحفاظت پشتوانه اسکناس را برای شور دوم تحت شور و مذاکره قرار داده و دو فقره پیشنهاد آقایان نراقی و نقابت را هم مطرح نموده و بالاخره با ماده واحده زیر موافقت حاصل شده اینک گزارش آن برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میشود .

ماده واحده - ماده دهم قانون ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ باین طریق اصلاح میشود :

ماده ۱۰ - بمنظور حفاظت پشتوانه اسکناس تا اعاده اوضاع اقتصادی پرداخت زر وسیم مسكوك و غیر مسكوك وجواهرات در مقابل اسکناسهای منتشره ممنوع است .

تبصره - هر گونه نقل و انتقال و تبدیل و تعویض و فروش زر وسیم مسكوك و غیر مسكوك وجواهرات پشتوانه اسکناس موجوده در کشور ایران ممنوع است .

نخست وزیر - بنده میخواستم عرض کنم که با این تبصره که در کمیسیون الحاق شده است مخالفم .

مصدق جهانشاهی - یکمرتبه دیگر آقای طوسی تبصره را بخوانید .

(بشرح بالا خوانده شد)

تهرانچی - این تبصره صحیح است و بسیار لازم است **نخست وزیر** - ملاحظه کنید فرض بفرمائید ما يك مقداری شمش طلا در ذخیره بانك بگذاریم و مقداری از مسكوكات را برداریم هیچ فرقی برای پشتوانه اسكناس میکند؟ (تهرانچی - برای چه؟) بنا بر مصالح وقت (تهرانچی - مصالح وقت همچو اقتضائی ندارد) مصالح وقت را من بهتر از تو و امثال تو میدانم.

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - بنده هم با حذف تبصره موافقم و بودن این تبصره را چیز زائدی میدانم زیرا مجلس شورای ملی برای نظارت در پشتوانه اسكناس يك هیئتی را انتخاب کرده است که طرف اعتماد مجلس است و بعلاوه دکتر میلسپو را هم که يك مستشار عالی مقامی است در نظارت پشتوانه اسكناس شرکت داده ایم با این حال بنظر بنده اساساً وجود این تبصره ضرور نیست بالاخره سیاست بانکی و سیاست حفظ پشتوانه اسكناس را هر طوری که نظار محترم صلاح بدانند البته همانطور اقدام میکنند و وظیفه خودشان را قانوناً انجام میدهند و میدانند دیگر این چیزی نیست که هر قانون ذکر شود و لزوم داشته باشد که در این قانون ذکر شود...

افشار - ضررش چیست؟

سلطانی - اعتبار بانك از بین میرود.

نخست وزیر - نیست اینطور آقای...

ملك مدنی - آقای افشار ما باید بکفداری مسائل را روشن کنیم ضررش این است که ما د کتر میلسپو را وقتی آوردیم با آن لایحه و آن تشریفات و با آن حسن نظر و اعتمادی که ایشان را آورده ایم و انتخاب کردیم و او را هم قانوناً دخالت دادیم در هیئت نظارت پشتوانه اسكناس دیگر هر روز صحیح نیست که ما راجع بموضوع فنی بانك يك تریبی را وارد کنیم. دو نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی در آنجا هستند آقای تراقی و آقای مؤید احمدی که آآن چندین سال است از طرف مجلس شورای ملی انتخاب

شده اند و میروند آنجا. اینها نمایندگان مجلس هستند در هیئت نظارت اسكناس بانك اینها مردمان طرف اعتمادی هستند (صحیح است) بدون نظر و بدون موافقت این آقایان ممکن نیست هیچ نظری اجرا شود و آقایانی که در آن هیئت شرکت دارند همه اشخاص بصیر و مطلعی هستند نمایندگانی از مجلس شورای ملی انتخاب شده اند و در آنجا هستند دکتر میلسپو که متخصص مالی ما است آنجا هست هر چو که صلاح اقتصادی ما را تشخیص دادند عمل میکنند مجلس که نباید در اجرائیات و مطالب فنی دخالت کند و وارد شود در مسائل فنی و اقتصادی هم اگر بنا بود مجلس شورای ملی دخالت کند دیگر وجود دکتر میلسپو و استخدام او لازم نبود که ما او را با يك میسیون بیاریم و استخدام کنیم در رأس مالیه مملکت خودتان قرار بدهیم پس این هم راجع بهمان سیاستی است که ما راجع بد کتر میلسپو اتخاذ کردیم بالاخره این آدم يك شخص با صلاحیتی است و يك آدمی است که طرف اعتماد ما است (صحیح است) و هر طور که او صلاح بداند آن نظر صلاح است و نباید همان را تعقیب کنیم.

رئیس - آقای تهرانچی

تهرانچی - عرض کنم توجه بفرمائید مجلس شورای ملی برای اینکه ذخیره اسكناس و پشتوان آن چه جواهر و چه زر و چه سیم محفوظ بماند آمد و گفت هر نوع نقل و انتقال و تعویض درش ممنوع است و البته باید هم همینطور باشد و فرمایش آقای ملك مدنی این بود که آقایان همین منظور را در این جا اجرا خواهند کرد خوب چیزی را که مسلم است آنها اجرا خواهند کرد در قانون هم باشد چه عیبی دارد؟ (صحیح است) و الا مثل این است که میخواهند يك نظری داشته باشند و يك دستی باین بزنند یا يك چیزی بکنند که البته افکار عامه در این موضوع متشنج است و همانطور که برای اسكات افکار عامه وقتی نظر بر این است که این پشتوانه همینطور باقی بماند و کسی هم دست نمیزند این را بهمین طریقی که هست نگاه دارند. امروز آقای

سطح زندگی بحمدالله در نتیجه اقدامات دولت بقدری بالا رفته که دیگر برای هیچ فردی هر قدر هم متمول و متمکن باشد قابل تحمل نیست و نمیتواند اصلاً امرار معاش کند در نتیجه همین نزللی که مردم نسبت بیول پیدا کرده اند. آنوقت بایک همچو موقعیتی يك همچو انتشاراتی هم که در خارج داده شده است که پشتوانه ها را باید بدهند آنجا و در این جا چه خواهند گرفت این حرف ها من میدانم چه صورتی خواهد داشت و در مقابل آن هم معلوم نیست چه حالی خواهد داشت آقای نخست وزیر هم میفرمایند بنا بر مصالح مملکت است مصالحت مملکت آقا در این است که پشتوانه اسكناس دست نخورد و هیچوقت هم دست نخورد این بمصلحت مملکت است. ما که میگوئیم این تبصره را که کمیسیون تصویب کرده است و مجلس شورای ملی هم تقریباً موافقت دارد در این قانون اضافه شود از همین جهت است که باید در افکار عامه نسبت به اسكناس يك تکلیفی و يك اعتمادی ایجاد کرد (صحیح است) و این بیانات آقای نخست وزیر افکار عامه را که متشنج هست متشنج تر میکنند آقا. خوب پشتوانه ما در بانك هست و باید تغییر و تبدیل و نقل و انتقال هم در آن ممنوع باشد. فرمودند که پشتوانه عوض میشود بشمش طلا ممکن است عوض بشود و مسكوك بشمش تبدیل شود این چه استدلالی است برای اینکار؟ بنده میخواهم بدانم برای چه؟ اگر امروز مملکت دارای يك سکه هائی متنوع از ضرب ممالك خارجی يك وقتی ممکن است مورد احتیاج واقع شود مورد ضرورت واقع شود ما که حق نداریم سکه خارجی را در مملکت خودمان بزنیم. همینطور ممالك خارجه هم سکه مارا نمیتوانند بزنند سایر دول هم نمیتوانند سکه ما را بزنند. ممکن است يك وقتی مملکت ایران محتاج بيك پوند طلا یا ده مناتی طلا یا ایره عثمانی بشود که با شمش طلا ضربش بسکه خودمان مقدور و ممکن نباشد اگر محتاج شدید وقتی این مسكوكات را از دست دادید از کجا میتوانید بدست بیاورید؟ شمش طلا را تبدیل کردن بسکه خودمان ممکن است

ولی بسکه خارجی که ممکن نیست و وسیله نخواهیم داشت اینرا هم ملاحظه بفرمائید. پس از این جهت هم بمصلحت مملکت نیست اگر مقصود این است که شمش طلا را تعویض بمسكوك میکنند و در این مملکت میخواهند بفرشند. شمش طلا را بمسكوك ما تبدیل کنند چون در مملکت ما میخواهند خرج کنند مسكوك ما در مملکت ما رواجش بیشتر میشود باید بسکه ما مسكوك بشود گذشته از آن خود شمش طلا مگر فروش ندارد؟ بعلاوه چند روز قبل من در روزنامه دیدم که آقای رئیس بانك ملی فعلی شرحی نوشته بودند و استدلال کرده بودند که قیمت شمش طلا يك قدری هم بیشتر و بهتر از مسكوك خارجی است در این صورت شمش طلا را هر وقت بخواهید بفروش میرود و ممکن است در قیمت اجناس هم مؤثر باشد. این هم تازه تأثیر ندارد و آقایان حساب بفرمائید ملاحظه بفرمائید از وقتی که دولت لایحه دو بیست میلیون اسكناس را آورد چقدر قیمت اجناس ترقی کرد صد بیست صدی طلا و لیره صدی چهار صد صدی پانصد ترقی کرد ولی قیمت طلا و لیره هیچ ترقی نکرد همان شصت و سه تومان بود حالا تازه شصت و پنج تومان شد در صورتیکه هزار يك هم ترقی نکرده است پس فروش طلا هم برای پائین آوردن قیمت اجناس هیچ تأثیری ندارد (صحیح است) مثل اینکه دیده شده است تمام اجناس که بالارفت طلا هیچ بالا نرفت و بقیه سابق خودش باقی است پس این حرف حرف پوچی است و دلیل ندارد و منظور هم این نیست که از این راه استفاده بشود برای تنزل اجناس اگر هم بنا باشد که از این راه فرضاً بخواهیم استفاده کنیم ممکن است از همان شمش هم استفاده کرد شمش مگر فروش ندارد آقا؟ طلای شمش در بازار فروش دارد تمام قیمتها هم روی آن برمی گردد وقتی که طلای شمش با طلای تیز آبی قیمتش تنزل کرد مسكوك هم قیمتش بهمان میزان برمی گردد این امری است که طبیعی است و در هر حال برای ما مسكوك خارجی مورد لزوم است و بایستی ذخیره مملکتی متنوع باشد و بایستی بماند و این بمصلحت

کشور است نه غیر این ترتیب. این است که بازهم بنده عرض میکنم که مصلحت مملکت به تغییر و تبدیل و نقل و انتقال پشتوانه اسکناس نیست ملاحظه فرمودید اگر هم مقصود این است که شمش طلا را تعویض نمی کنند پس این تبصره باید باشد و بهر حال هیچکس نمی تواند آن را دست بزند و این بمصلحت مملکت است (صحیح است)

نخست وزیر - ایشان میگویند بیانات من اسباب تشنج افکار میشود در صورتیکه اینطور نیست. بیانات شما است که برای عوام فریبی میگوئید و تشنج افکار از این بیانات شما ایجاد میشود من امروز شایستگی و لیاقتم البته صد درصد بیشتر از شما است (طهرانچی - اینجا صحبت شایستگی در بین نبود) بجهت اینکه من در امور سیاست واردتر هستم و مربوط بمن است شما این چیزها را فقط برای عوام فریبی میگوئید و بس من میگویم وقتی که شما متخصص مالی و اقتصادی خواسته اید با آنها شور بکنید و شما یک چیزهایی میگوئید که مربوط نیست وقتی که با آنها شور کردید اگر آنها گفتند که نباید بکنید البته من هم موافق هستم اگر بگویند بجای مسکوک موجود شمش طلا بگیرند بنده هم موافقت میکنم (صحیح است)

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم آقا بنده نمیدانم سر یک چیزهای خیلی جزئی چرا ما عصبانی میشویم این را واقعا عرض میکنم حضور مبارک عالی بنده عرض میکنم اگر این اعلانات در روزنامهها نشده بود...

نخست وزیر - چه اعلاناتی؟ آقا. ول کنید. چرا بزرگ میکنید یک مطلب کوچک را؟

مؤید احمدی - این اعلانات بد بود وقتی که متخصص مالی دارید بروید با آنها مشورت کنید هر چه که آنها گفتند عمل میکنیم...

نخست وزیر - این گفتهگوه زائد است آقا چه نتیجه دارد آقا؟

مؤید احمدی - اجازه بفرمائید بنده حل میکنم موضوع

را استدعا میکنم آقایان (خطاب با آقایان تند نویسان) این نطق بنده را کلمه بکلمه مرقوم بفرمائید. پشتوانه اسکناس از حیث لیره از حیث لیره عثمانی (ترک) از حیث پنج منائی و ده منائی روسی قابل تغییر نیست مگر مجلس شورای ملی تصویب کند اگر مجلس شورای ملی تصویب بکند ما هم میدهیم اگر تصویب نکرد خیر (نمایندگان صحیح است)

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - بنده قبل از اینکه این قانون مطرح بشود یک روزی بخاطر دارم در این موضوع تذکر مختصری بعرض مجلس رساندم و حالا هم در نظر دارم و عرض میکنم چه این تبصره در این قانون باشد چه نباشد بدون تصویب و بدون قانون مخصوص مصوب مجلس شورای ملی یک فلس از پشتوانه اسکناس غیر قابل تغییر است و بهیچوجه من الوجوه نه تغییر بهش میشود داد نه تبدیل بهش میشود داد...

تهرانچی - نه فروش میشود کرد

امیر تیمور - تمنی میکنم آقای تهرانچی یک قدری سکوت بفرمائید و وارد در نطق من نشوید خوب نیست آقا (صحیح است) گذشته از اینهایی که بنده عرض کردم با آقای نخست وزیر هم عرض میکنم که از نظر ایشان هم صلاح نیست البته من میدانم مقدار مسکوک طلائی که در پشتوانه اسکناس است یک مبلغ خیلی ناقابل است و خروج و عدم خروج آن چیز مهمی نیست و تأثیری ندارد ولی از نظر افکار عامه یقین بدانید تأثیر سوء می بخشد و صد درصد زنگاری را گران می کند و تصور خواهند کرد که پشتوانه باین و تیره دارد خارج میشود و این زنگاری ما که باینطور بالا رفته است دفعه واحده چند مقابل هم گران تر خواهد شد آقا شمش میخواهید بیاورید حقیقه آنطوری که گفته شد بیاورید ضرابخانه ماهم دومین ضرابخانه کامل عالم است در اینجا می خواهید بصورت مسکوک منتشر کنید و شمش طلا را بصورت مسکوک در بیاورید و در بازار منتشر کنید بکنید صد مرتبه تأثیر آن هم برای ما بیشتر خواهد بود هم برای متفقین ما بیشتر است هم برای دولت بیشتر است و هم برای استحکام

کارپولی ما حسن اثر دارد و قیمتها را هم پائین خواهد آورد ولی اگر شما این عمل را نکنید ولو اینکه پنج مقابل آن مسکوک هم اگر خارج بکنند بخواهید شمش بیاورید این برخلاف مصلحت است گذشته از آن همانطور که عرض کردم این تبصره چه باشد چه نباشد ممکن است حالا این تبصره را مجلس رأی بدهد ولی مع هذا حق ندارند یک فلس از پشتوانه اسکناس را تغییر و تبدیلیش بدهند و تغییر دهنده و تبدیل دهنده بعقیده بنده طبق قوانین موجوده ماقابل تعقیب است و بمجازات میرسد. میخواهید تغییرش بدهید اکثریت دارید بیاورید یک قانون خصوصی بگذرانید ولی بنده بهیچوجه موافقت نمیکنم و اگر این عمل بشود بدانید بنده استیضاح خواهم کرد و تا آخرین نفس هم ایستادگی میکنم.

نخست وزیر - دو موضوع است یکی مسئله خارج کردن یک مقدار از مسکوک که آن بعقیده بنده خیلی کوچکتر از این است که در مجلس اینقدر مباحثه شود دیگر اینکه تقاضای من این بود که بعد از آن که متخصص مالی لایقی داریم در این مسائل با آنها شور کنیم البته مجلس مختار است بعد رأی بدهد که این مسکوک خارج نشود. با آنها هم شور می کنیم (صحیح است) و بعد با اطلاع مجلس میرسانم و بعلاوه آقای امیر تیمور هم مرا از استیضاح میترساند یک مرتبه آقا استیضاحتان را بکنید هم مرا آسوده کنید هم خودتان را.

امیر تیمور - شما که آسوده هستید من هم آسوده میشوم.

رئیس - آقای دشتی.

دشتی - ماهم داریم در حاشیه صحبت می کنیم و بنده یک خورده میل دارم در متن قضیه وارد بشوم و صحبت بکنم اصل مطلب این است که تمام افراد ایرانی مجلس شورای ملی همه علاقمندند باینکه اعتبارات بانک ملی ایران محفوظ باشد (صحیح است) این موضوع هیچ اختلافی ندارد (صحیح است) و این مسئله هم محرز است که اکثریت مجلس هر چه رأی بدهد آن رأی قاطع است و

حاکم است و آن قضیه قابل قبول است (صحیح است) پس در این موضوع هم ما صحبت نباید بکنیم صحبت مادر این است که آیا باین شکل صلاح هست یا باین شکل صلاح نیست (صحیح است) خوب در اینکه مسلماً پشتوانه اسکناس نباید دست بخورد هیچ شکی در این باب نیست (صحیح است) بنده تصور میکنم که دولت محتاج مراجعه بمتخصص مالی هم نیست بهیچوجه. بنظر بنده نه دولت نه مجلس و نه یک نفر هیچکس معتقد نیست که یکشاهی یک پول از پشتوانه بانک ملی از خزانه بانک ملی خارج شود در این هیچ شبهه نیست (صحیح است) فقط یک مسئله باقی مانده است و آن این است که تبصره پیشنهاد شده است در مجلس که دولت بهیچ قیمتی نمی تواند تبدیل کند پشتوانه را و آن هم ناشی از این موضوع شده است که تقریباً چند هزار لیره مسکوک انگلیسی یا ترک در خزانه بانک ملی هست پیشنهادی شده است باینکه ملی که این را بدهد و در مقابل در جنوب آفریقا شمش طلا بما بدهند و این کار را قبول نکردند و بعقیده بنده کار خوبی هم کردند زیرا این کار غلطی بود که ما طلائی مسکوک موجود خودمان را در این جا بدهیم و در آفریقا شمش طلا بگیریم و تصور هم نمی کنم هیچوقت نه متخصص مالی نه دولت با اینکار موافقت کنند (صحیح است) فقط یک مسئله می ماند و آن است که اگر شمش طلا را بیاورند بنرخ روز بما بفرشند و اینها را هم بنرخ روز بخرند آیا این بصرفه بانک ملی هست یا نیست؟ و آیا صلاح هست یا نیست بنده عقیده ام این است که این صلاح است زیرا در تمام جاهای دنیا پشتوانه اسکناس شمش طلا است و شمش قابل تبدیل نیست شمش را نمی شود برد و در لاله زار خرج کرد و چیز خرید شمش طلا را نمیشود خرج کرد بنابراین شاید بنده با آقای مؤید احمدی هم صحبت کردم با دادن تفاوت قیمت مسکوک شمش اگر بصرفه بانک ملی باشد بنظر من هیچ عیبی ندارد که این شمش ها را تحویل بدهند و با نظر متخصص بانک تفاوت قیمتش را هم بدهند آنوقت لیره را بفرشید این

ضرر ندارد زیرا لیره میقتد بدست مردم و طلا می رود ببانک ملی و بنده با آقای مؤید احمدی هم صحبت کردم چون ایشان چند سال است که از نظار بانک هستند و بنده کمال اعتماد را به دانش و چیز فهمی ایشان دارم ایشان هم با این نظر موافقت داشتند و البته از این جهات هم ایشان طرف اعتماد هستند برای اینکه يك وجه ملی باشد بین نظر دولت و مجلس شورای ملی که پشتوانه اسکناس هم دست نخورد و این نظر کاملاً تأمین شود که بهمان تناسبی که لیره را میفرشند بهمان تناسب بلا فاصله شمش طلا بخرند و جایش بگذارند.

رئیس - آقای انوار.

انوار - در مسائل اقتصادی البته هر کس علاقمند به اقتصادیات خودش است و اینکه در این قضیه اکثریت موافق نیست بعلمت این است که بانک ملی مال همه هست همان جور که حفظ میکنیم خانه خودمان را لباس خودمان را همانطور هم باید در حفظ بانک ملی اهتمام داشته باشیم همین جور هم هست که بنده می بینم که همه موافق با این عقیده هستند يك صحبت هائی آقای اعتبار کردند که بنده به اعتبار سوابق ممتدی که با ایشان دارم جوابش را برای بعد میگذارم در جواب آقای دشتی آقای تهرانچی يك موضوعی را بیان کردند که آن موضوع اساسی و مورد تصدیق همه است در صورتیکه ما در بانک ملی يك سکه های خارجی داشته باشیم چنانچه معروف شد که این سکه های دولت يك سکه های خارجی است و فی حد ذاته دارای يك قیمتی است که ما نمیتوانیم در ضرابخانه خودمان برای آنها يك قیمت هائی معین کنیم و ما نمیتوانیم با شمش مقایسه کنیم مثل سایر جواهراتی است که نمیشود برای آنها قیمتی معین کرد و مثل کوه نور یا فلان جواهری که ایرانیها آن را به قیمت جان خودشان تهیه کرده اند و همچنین آلهائی که دارای سکه های مخصوص است که ما می خواهیم اینها بجای خودش محفوظ بماند و حالا ما میخواهیم يك سکه هائی را از بین ببریم شما از يك طرف میلسپورا آوردید

دکتر میلسپورا که آوردید او باید بانک را هم حفظ کند با پشتوانه آن من هم میگویم باید پشتوانه او را حفظ کرد چیزی دیگر نمیگوئیم می گوئیم که این سکه هائی که پشتوانه اسکناس است باید حفظ شود می خواهیم قیمتش را زیاد تر بما بدهند و تمام متفق هستیم که بانک باید مصون و محفوظ باشد از تعرض زیرا تمام طبقات مردم علاقمند هستند ببانک ملی و البته بانک ملی باید دارای رنگ ملی باشد و چیزی غیر از رنگ ملی بآن نچسبد در روزنامه ما خواندیم همین کسانی که خیلی بهشان معتقد هستیم رفته اند و فلان چیز را داده اند که نمیخواهم حالا بگویم بنده عرض میکنم که بانک ملی باید رنگ ملی داشته باشد و همه چیزش باید محفوظ بماند و بحال خودش باقی بماند این اولاً و ثانیاً این جزو پشتوانه است و آقای دشتی که میگویند باید پشتوانه را حفظ کنیم بنده هم عرض میکنم که این سکه خارجه است و باید بجای خودش باقی بماند

رئیس - آقای نقابت

نقابت - بنده توضیح مختصری داشتم چون در مقدمه لایحه که قرائت شد ذکر شده بود پیشنهاد نقابت و آقای نراقی در کمیسیون مطرح شد و باین صورت تصویب شد اگر اسم بنده برده نمیشد البته تصدیق نمیدادم نظری که بنده داشتم و در جلسه قبل توضیح دادم این است که عبارت ماده کافی نیست که ندادن نقره در مقابل اسکناس و باین جهت در کمیسیون دارائی باینکه عضو نبودم دعوت شدم و عبارت را بانظر آقایان اینطور اصلاح کردم که در مقابل اسکناس نقره هم داده شود البته طلا که داده نمیشود و مسكوك نقره هم داده نمیشود و قید شده است تا وقتی که اوضاع عادی برقرار نشده زیرا که این فکر در افکار عمومی مردم چون همه که اهل منطق نیستند با اشخاص مطلع هم که بحث نمیکنند سر گذار است. یاقوهه خانه است میگویند این اسکناس را در مقابلش نقره هم بدهند کاغذ چه قیمتی دارد این که عرض میکنم حرف نیست باید حتماً توضیح داده شود که اگر گفته شده است ندهند بطور موقت

برای اوضاع فعلی است که اگر نقره از خزانه بیرون آمد این نقره فوراً قاچاق میشود و گرفتاری پیدا میکند و خزانه تهی میشود و کاغذ دست شما میماند باین جهت تا اوضاع چنین است داده نمیشود وقتی اوضاع بحال عادی برگشت البته طلا و نقره مسكوك و غیر مسكوك همه در دسترس خواهد بود این بود که يك مطلبی بود که برای توضیح افکار عمومی خواستم این تذکر داده شود و پیشنهاد نقل و انتقال و تعویض از آقای نراقی بود و خودشان در کمیسیون بودند معذک کمیسیون این نظر را گرفت و علت هم این بود که وزیر دارائی حاضر نشد در کمیسیون مثلاً گفته میشود که وزیر دارائی استعفا نکرده است و هست ولی امروز که صحبت بحران هم نبود در يك مطلب باین اساسی و مهمی ایشان تشریف نیاوردند نه خودشان و نه معاونشان و آقای وزیر دادگستری تشریف آورده بودند و ایشان هم يك پاشان توی کمیسیون عدلیه بود برای قانون تعدیل مال الاجاره يك پاشان هم اینجا خلاصه مطلب باز نشد و در پیشنهاد نقل و انتقال و تعویض گفته شد ما یکقسمت جواهر داریم که اینها پشتوانه اسکناسی است که هیچ مورد بحث هم نیست هیچیک از دول هم از ما جواهر نخواسته اند در داخل هم کسی نگفته است که جواهر بما داده شود در مقابل اسکناسی که میدهیم این حرفی هم زده نشده است پس این تعویض شامل جواهر نمیشود و این مطلب خیلی بدیهی است و در کمیسیون هم بنده اظهار عقیده کردم که اعم از اینکه این تبصره باشد یا نباشد و اعم از اینکه شما در این خصوص قانونی وضع کنید بانک این کار را نخواهد کرد برای اینکه وقتی که مراجعه شود ببانک ملی برای این کار اشخاصی هستند که صلاحیت قانونی دارند که عبارت است از مدعی العموم دیوان کشور و نمایندگان مجلس و نمایندگان دولت اینها مجبور هستند که اعتبارات بانک و اسکناس را حفظ کنند و آنها هم در درجه دوم وارد سیاست نیستند مجبورند بمقررات قانون و مقررات داخلی بانک نظارت کنند و آنها خودشان بررسی کردند و گفتند

که چنانچه شما طلا را بیاورید در تهران بما تحویل بدهید آنوقت ما این پیشنهاد را رسیدگی میکنیم نگفته اند میدهیم گفته اند که ما این پیشنهاد را رسیدگی میکنیم ما از این آقایان تحقیق کردیم مطلب این طوری است حالا فرض میکنم که يك شمش آوردند در تهران و در تهران است ضرابخانه هم راه قلهک است ببرند آنجا سکه اش بزنند (تهرانچی - لیره ترك که نمیتواند سکه بزند) فرض کنید دولت ترك این تقاضا را کرد چون مطلب را داریم بحث اصولی میکنیم ربطی بموارد ندارد خواستند يك سکه بزنند اگر آن دولت هم اجازه داد و طلا هم موجود بود ضرب کنند آمدیم سکه لیره در بازار هشتاد تومان بود اما هم وزن این لیره طلای خالص تمام میشد با آن سکه موجود شصت تومان البته صلاح در این است که تا طلا را بگیریم و لیره را بدهیم برای اینکه بیست تومان استفاده کرده ایم (تهرانچی - عکسش را در نظر بگیرید) بنابراین این استفاده برای بانک خواهد بود (تهرانچی - طلا از مسكوك گرانتر نمیشود) بنابراین بنده می خواهم چند نقطه اینجا بگذارم و يك مطلبی را گفته باشم که این تبصره را چون دولت در نظر دارد رد بکند مبادا تصور شود که مفهوم مخالف رد کردن و معنی آن جواز عمل است خیر جواز عمل نیست (صحیح است) چه این تبصره بود یا نبود بانک مطابق مقررات قضیه را رسیدگی میکند اگر صرفه دارد میکند صرفه ندارد عمل نمی کند این قضیه را اینطور باید حل کرد و بنده معتقد هستم اگر تبصره را بگذاریم کنار و به اصل ماده رأی بدهیم چیزی ضرر نبرده ایم نباید مفهوم مخالف این باشد که اگر این تبصره نباشد بانک میتواند این کار را بکند خیر هر نقل و انتقال و تبدیلی با اجازه کمیسیون نظارت است و کمیسیون نظارت هم کاملاً دقت و رسیدگی میکند که کمال رعایت صرفه بانک و کمال مواظبت در پشتوانه عمل شده باشد.

تهرانچی - وبدون اجازه مجلس هم حق ندارد.

رئیس - آقای اعتبار.

اعتبار (مخبر کمیسیون) - جریان کمیسیون همان بود که آقای نقابت تا حدی توضیح فرمودند و بنده هم متأسفانه مریض بودم و در کمیسیون حضور نداشتم (طباطبائی - پس مخبر هم که نبوده است پس این چه پیشنهادی است) ولی وقتیکه فردا آمدم گفتند که کمیسیون این تبصره را تصویب کرده است بدیهی است که بنده هم بایستی احترام نظر اکثریت کمیسیون را رعایت کنم و از این جهت روی اینکه گفته شد اکثریت کمیسیون این پیشنهاد را تصویب کردند بنده هم امضا کرده (تهرانچی - با اتفاق) حالا به اتفاق یا با اکثریت کاری ندارم آقای تهرانچی خوب بود که در مطالب یکقدری تأمل میکردند و اجازه میدادند که رفقای خودشان حرفهای خودشان را بزنند این ها يك رویه هائی است که باید رعایت شود آنقدر هم حرف رفاقت نند (طباطبائی - اتفاقی که نبود و آقای تهرانچی هم که نبودند) **تهرانچی -** اتفاق حاضرین مقصودم بود.

اعتبار - البته رأی کمیسیون هر چه بود و هر دلیلی داشتند مخبر کمیسیون باید مخبر را مطابق نظریه کمیسیون تهیه کند بنده هم همین وظیفه را عمل کردم: يك بیانی فرمودند آقای نقابت در قسمت ماده ده سابق که باینصورت اصلاح شده است بنده این را لازم بود بیشتر توضیح بدهم که در ماده ده سابق این بود که دولت را مکلف کرده بود که در تهران غیر محدود و در شعب شهرستانها باندازه موجودیش هر مقدار ریال باو عرضه شود بایستی در مقابلش نقره بدهد البته این حرف کاملاً صحیح است این قانون هم بجای خودش و در موقع خودش خیلی صحیح و منطقی بوده است لیکن وضعیت امروز و آشفتگی دنیا و جریاناتی که ما امروز در آن وارد هستیم ایجاب کرد که برای حفظ نقره و وضعیت پشتوانه موقتاً از آن قانون منحرف شویم باین معنی که هر وقت وضعیت بحال خودش برگردد و دولت وضعیت را عادی تلقی کند آنوقت لازم است که دولت يك پیشنهاد ثانوی بیاورد بمجلس شورای ملی و البته مجلس هم موافقت خواهد کرد که بتوانند همان قانون را اجرا کنند

بود است حالا اگر آقایان موافقت بفرمایند چون ظهر گذشته است مطلب را بگذاریم برای جلسه بعد و باز هم ما در این قضیه مطالعه میکنیم و در جلسه آتی این قضیه با نظریه متخصصین مالی بعرض مجلس رسیده و تکلیف موضوع روشن میکنیم (صحیح است)

۵ - موقع و دستور جلسه آتی - ختم جلسه |
رئیس - اگر موافقت میفرمائید جلسه را ختم کنیم؟
جلسه آتی روز یکشنبه بیست و پنجم بهمن سه ساعت قبل از ظهر دستورالوایح موجوده .
(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه خرید عمارت تعاونی مصرف واقعه در خیابان فردوسی بوزارت بازرگانی و پیشه و هنر

ماده واحده - وزارت بازرگانی و پیشه و هنر مجاز است عمارت تعاونی مصرف واقعه در خیابان فردوسی را بمبلغ

۳۵۳۷۳۲۰۲ ریال از بانک ملی خریداری نموده و بهای آنرا با بهره صدی هفت در ظرف سنوات ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ضمن بودجه خود منظور و در وجه بانک نامبرده بپردازند

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه یازدهم بهمن ماه یک هزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

ملی رسید

قانون

اجازه پرداخت حقوق فارغ التحصیلان دانشکده و دبیرستانهای کشاورزی و دام پزشکی از صرفه جوئی وزارت کشاورزی

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت کشاورزی اجازه می دهد که از صرفه جوئی اعتبار ماده (۳) بودجه

سال جاری آن وزارتخانه فارغ التحصیل های دانشکده و دبیرستانهای کشاورزی و دام پزشکی را استخدام و حقوق آنها را از همان محل تأمین نماید .

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه یازدهم بهمن ماه یک هزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

ملی رسید